

از راسته دروغ و کوهی دادند دروغ **مفاد** بوی خوش و شیرین است  
 بر مخالفت عمل مسران ساه و شکر شده اسرار است این بوی خوش  
 عمل از عساکر و اهل فنند و شکر و در مردم بگویند که دروغ  
 و غایب را بیاورد که دروغ عارضه هوا علم و با لغو است **مفاد**  
 در حکم احتراق است که کتب **احتراق** ز صل و دلیل است بر تنه حال  
 مشایخ و عاقبتین و مردم سرد بزرگ و بوی مردم کوه ماه و ظاهر ملک  
 بر ایشان و آمدن باران وقت و ضلک شده هوا و از زمان  
 بر خ غله **احتراق** مشترک دلیل است بر تنه حال قضاة و شرفا  
 و علماء و زراد و اشمنه و زبا و در از ز کوفت و شرفی و  
 کیمت علم از ملک و نایب و لایته و دریم بود که از ملک **احتراق**  
 میخ دلیل است بر تنه حال شکر کیم و امر او مسالار  
 و از زان سلاح و قضاة و آشوب در عالم و گنار راه در راه و تنه  
 حال اهل سلاح و عظام صیام و رنجیدن رعیت از ملک و سلاطین  
 و کجاست **احتراق** زهره دلیل است بر تنه حال زناخ و خاوند و  
 مطربان و ناروای بازارها و درین وقت و در زان شکر کیم  
 و کیم و پند و سر و آند زان مغز و افکار طلاق میکرند  
 و مشهوران **احتراق** غبار و دلیل است بر تنه حال همان و بخار  
 و متصرفان و اصحاب علم و بوی و قیمت جواهر و سرب  
 دلیل است بر تنه حال توانخ و حوام سرایان و خادگان  
 و عطاران

فصل در احتراق است که کتب احتراق اصل مصدق است دیگر در احتراق مشترک است در احتراق  
 احتراق زهره دلیل است بر تنه حال زناخ و خاوند و مطربان و ناروای بازارها و درین وقت و در زان شکر کیم و کیم و پند و سر و آند زان مغز و افکار طلاق میکرند و مشهوران احتراق غبار و دلیل است بر تنه حال همان و بخار و متصرفان و اصحاب علم و بوی و قیمت جواهر و سرب دلیل است بر تنه حال توانخ و حوام سرایان و خادگان و عطاران

و عطاران و بدیع آید بر تضریب و تحلیط و بیماری و کله اذیض  
 زناک و کاسدی سرایه و جواهر و جاده **عطار** و بار اس دلیل است  
 بر تنه حال عمل و متصرفان و اطباء و منجمان و بزرگان طبع  
 از ملک و روان بازارها و جزئیات خوش و راست انان و کارهای  
 این طبقه **دلیل** است بر بسیاری تضریب و گفتگو در مردم  
 و ارجیف میخان عمل و بسیار رزق و جلد و بکارش در کما  
 قلب و تنه ای حال عمل و متصرفان و کاسدی بازارها بار اس  
 دلیل است بر قوت و طریقه حال مردم عامه و بسیار آب چشمها و قوت  
 حال بکار و کسان و جانوران آید و سلاطین و روان بازارها  
 و شکر حال کشتیها **دلیل** است بر بسیاری از ارجیف و تضریب  
 در عامه و تنه ای حال جواهران آید و سلاطین و بسیاری غمها  
 و گفتگو در عامه و سلاطین کشتیها **مفاد** در شرف و متوسط  
 کواکب شرف ز صل و دلیل است بر قوت احوال ملک و دیانتین و  
 حال کشتیها و کف و زینا و فراخی جمعیت مردم و زوایا نعمتها  
 و سلاطین بناها و صوبات و خوار و تنگی حال ستودان **دلیل** ز صل  
 دلیل است بر ضعف حال کشتیها و زراعتها و تنه ای حال دیانتین  
 و نقله شکر بسیار ساسیل و ذوق و غریز طعام و حویله و بد  
 حال را بهما **دلیل** است بر قوت احوال علماء و قضات  
 و اشرفا و عمل و یانت نواخت و خلعت از ملک و راست شاد

